

«فرهیختگان» یک داده‌کاوی شبکه‌های اجتماعی درباره مساله مهاجران افغانستانی را منتشر می‌کند

رصد تغییر افکار عمومی در ماجرای مهاجران

محمد معصومیان خبرنگار

تولید روزانه بیش از ۱۰ هزار پست با محتوای مرتبط با افغانستان در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر) نشان از این دارد که یکی از پرده‌نامه‌ترین موضوعات ماه‌های اخیر یا شاید بهتر است بگوییم شش‌ماهه اخیر ایکس فارسی، حضور مهاجران افغانستانی در ایران است. بحثی که البته به شبکه‌های اجتماعی محدود نشد و حالا با ادامه‌دار بودن این بحث‌ها می‌شود آن را در کوچه و خیابان و تاکسی هم شنید.

افغانستانی‌ها بیش از ۴۰ سال است در ایران حضور دارند. یکی از مهم‌ترین دلایل این مهاجرت روی کار آمدن طالبان در افغانستان و رکود اقتصادی است که این دولت به‌واسطه تحریم‌ها با آن دست‌وپنجه نرم

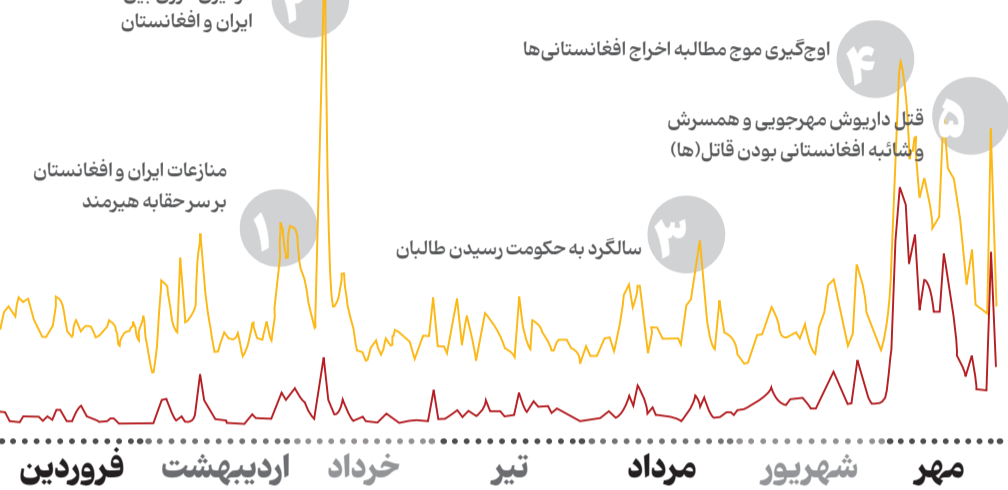
تحلیل کلان‌داده‌های ایکس به ما چه می‌گوید؟

مرتضی رزمی، پژوهشگر شبکه‌های اجتماعی با استخراج داده‌های شبکه‌اجتماعی ایکس می‌گوید در شوع ابتدای سال ۱۴۰۱ بود که خبر جلوگیری از ورود افغانستانی‌ها به اطراف دریاچه چیتگر منتشر شد. در آن زمان بسیاری از افراد مخالف این کار بودند. رفته‌رفته اتفاقاتی افتاد که منجر به تغییر تدریجی نگاه کاربران توییتر به مساله حضور افغانستانی‌ها در ایران شد. در اردیبهشت ماه، دولت ایران و افغانستان بر سر حقیابه هیرمند اختلافاتی داشتند که حتی رئیس‌جمهور نیز به این موضوع ورود کرد. پس از آن هم در خرداد درگیری مرزی بین ایران و افغانستان رخ داد که بازتاب گسترده‌ای در توییتر داشت. تیرماه هم ویدئویی منتشر شد از آب بازی افغانستانی‌ها در حوض میدان نقش جهان که آن هم بازتاب گسترده‌ای داشت. در تابستانی که گذشت، عکس‌ها و ویدئوهایی از حضور گسترده افغانستانی‌ها در متروی تهران، استان البرز، ویدئوهایی از ورود گسترده افغانستانی‌ها از مرز و حتی حضور آنها در استان‌های غربی مانند آذربایجان شرقی و کردستان دیده می‌شد. مهرماه ۱۴۰۲ گفت‌وگو بر سر حضور افغانستانی‌ها و استفاده از هشتگ #اخراج_افغانی-مطالبه_ملی شدت گرفت. تا قبل از شروع عملیات طوفان الاقصی، این موضوع ترند توییتر بود. در مهرماه تعدادی منازعه بین ایرانیان و افغانستانی‌ها هم در فضای حقیقی اتفاق افتاد و هم در توییتر بازتاب و تکرار بیشتری داشت. قتل مامور پلیس در بوشهر به دست یک تبعه افغان، دستگیری باندا افغانستانی سرعت از منازل در البرز و از آن طرف حمله ایرانی‌ها به افغانستانی‌ها در شهریار و قزوین نمونه‌هایی از این درگیری‌ها هستند که در توییتر دیده شدند.

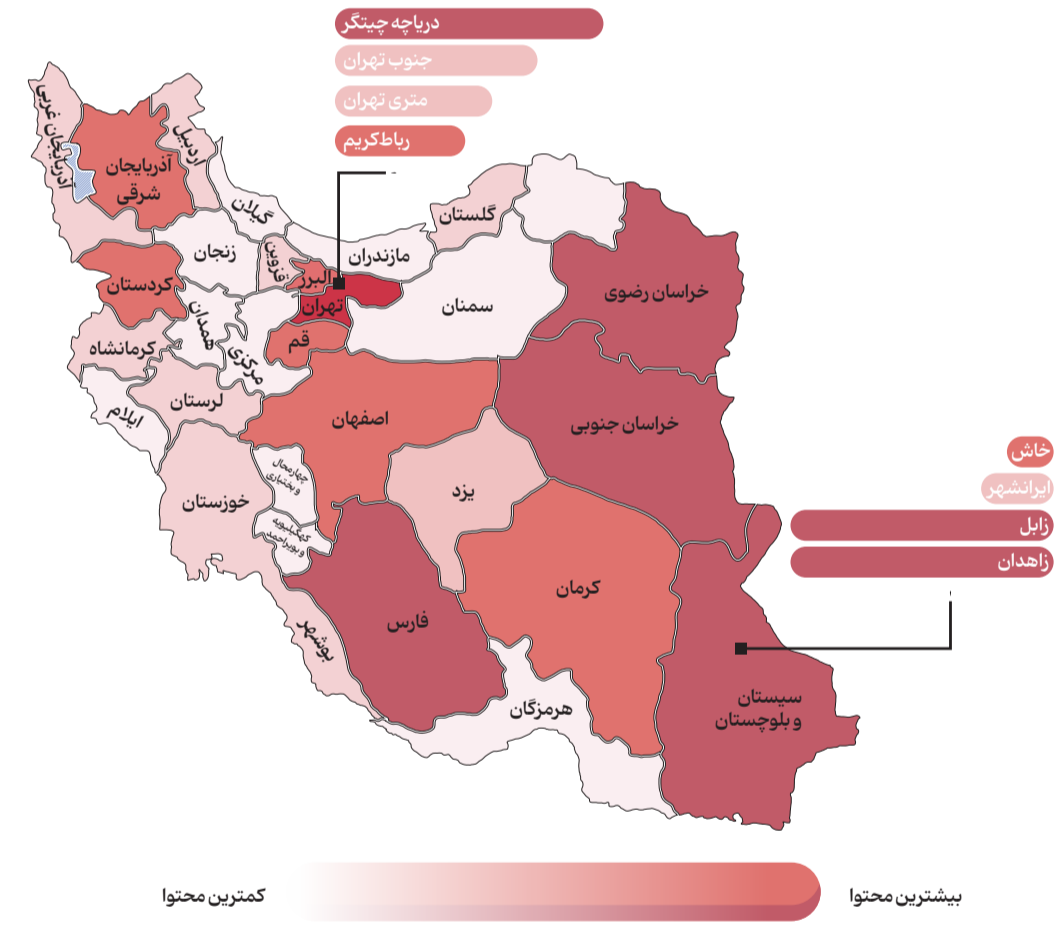
می‌کند. بعد از در دست گرفتن دولت توسط طالبان و توقف پروژه‌های اقتصادی بخش زیادی از مردم این کشور بیکار شدند. در شرایطی که گزارش‌های اولیه پس از روی کار آمدن طالبان از فقر گسترده مردم این کشور حکایت داشت، بسیاری از آنها عزم سفر به کشورهای مختلف دنیا کردند. در این میان اما ایران به واسطه نزدیکی زبانی و دینی با مردم افغانستان همیشه یکی از اولین مقاصد آنها برای مهاجرت بود و این بار هم قرعه به نام ایران افتاد تا میزبان این هموطنان قدیمی باشد. تعارض اما از زمانی به وجود آمد که به مرور زمان مطالبه‌ای برای اخراج افغانستانی‌ها از ایران شکل گرفت. در این گزارش می‌خواهیم نسبت این توییته‌ها با طیف‌ها و تاثیر اتفاقات در به وجود آمدن این مطالبه را بررسی کنیم.

روند محتوای توییتر با موضوع افغانستان و افغانستانی‌ها

موضوع کلی افغانستانی‌ها مطالبه اخراج افغانستانی‌ها



پراکندگی جغرافیایی محتوای منتشرشده با موضوع اخراج مهاجران افغانستانی

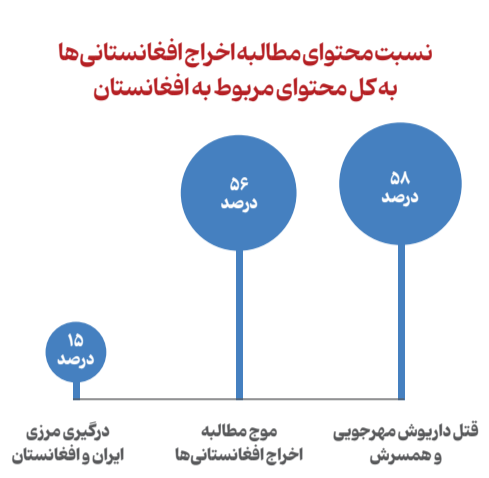


بیشتری آمده‌اند. افغانستانی‌هایی که قبلاً آمده بودند در حاشیه تهران مانند ورامین و شهرری ساکن بودند و مهاجرانی که به تازگی آمده‌اند براساس شرایط قدیمی به آنها پیوستند. در کنار شبکه خانوادگی مهم‌ترین مزیت مهاجرت به تهران دسترسی به کار است. حقیقت طلب می‌گوید: «حدود ۸۰ درصد افغانستانی‌ها در کشور خود روستائین بوده‌اند و شاید بتوان گفت بزرگ‌ترین شهر افغانستان کابل است و بقیه روستاهایی هستند که بزرگ شده‌اند. اما وقتی به ایران می‌آیند به چند دلیل ساکن شهرها می‌شوند یکی از مهم‌ترین دلایل به جز کار و اقتصاد بحث راحت گم شدن در شهر و در چشم نبودن است. این عامل تاثیرگذاری در انتخاب‌هایشان است.» یکی از بزرگ‌ترین مضامینی که معترضان به حضور افغانستانی‌ها آن را مطرح می‌کنند بحث نامنی است. آنها معتقدند این تعداد مهاجر می‌توانند برای میزبانان خود در درس بسازند. فالخ‌از این قضیه بخشی هم معتقدند آنها انسان‌های خطرناکی هستند. تصویری کلیشه‌ای که بدون تحلیل و پژوهش دست‌به‌دست می‌چرخد. از حقیقت‌طلبی پرسم #ایم‌پارهنوشی در زمینه‌آمار جرم و جنایت بین‌افغانستانی‌های

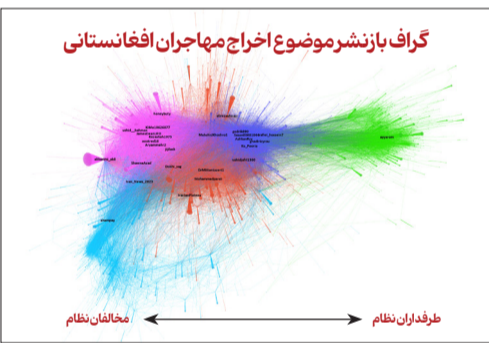
در نقشه پراکندگی جغرافیایی محتوایی که در آنها نام شهر، استان یا مکان ذکر شده است را می‌بینید. در این نقشه استان‌های تهران، سیستان و بلوچستان و خراسان رضوی به ترتیب بیشترین میزان محتوا را در این زمینه داشتند. رزمی با تقسیم مناطق کشور می‌گوید: «با حرکت از شرق به غرب، موضوع محتوا متفاوت می‌شود. در نوار شرقی، اخبار مرتبط با ورود گسترده افغانستانی‌ها موضوع اصلی است. در مرکز کشور تعجب از تعداد زیاد افغانستانی‌ها و اخبار درگیری بین ایرانیان و افغانستانی‌ها محورهای اصلی بودند. در غرب کشور خشم از حضور افغانستانی‌ها در استان‌هایی که طبق قانون اجازه حضور ندارند (مانند آذربایجان شرقی) و مساله قومیت مهم‌ترین موضوعاتی بودند که مردم در ارتباط با آنها محتوا تولید کردند.»

خانواده افغانستانی هجوم بردند و ویدئوهای آن دست‌به‌دست در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی چرخید. در همین رابطه باید گفت علی‌رغم آنکه سهم رویکرد منفی در محتوای مرتبط با افغانستانی‌ها در ماه‌های ابتدایی سال ۱۴۰۲ حدود ۲۰ درصد بوده اما در یک ماه اخیر به بالاتر از ۵۰ درصد رسیده است. پست‌هایی که روزانه از ایکس به شبکه‌های پربازدید دیگری مانند تلگرام و اینستاگرام سرریز می‌شوند و مخاطبان زیادی را درگیر این حجم از ذهنیت «افغانستانی‌هاراسی» می‌کنند.

شرکت پایش و تحلیل داده لایف‌وب به بهانه این موج گسترده اعتراضات به بررسی کلان‌داده‌های شبکه اجتماعی ایکس پرداخته تا ببینم داده‌ها چه روایتی برای ما دارند.



قتل مهرجویی هم آخرین محرک بود. در روز ۲۳ که خبر قتل مهرجویی منتشر شد، نزدیک به ۱۷ هزار محتوا با موضوع اخراج افغانستانی‌ها منتشر شد. در شرایطی که هیچ سند و مدرک رسمی و قطعی برای افغانستانی بودن قاتل وجود نداشت. اما روز پنجشنبه ۱۲۷م که خبری مبنی بر اتیاع بودن قاتل منتشر شد، کمتر از ۴۵۰۰ محتوا در این مورد منتشر گردید. این موضوع نشان می‌دهد که افراد اصلی این موج برداشت خود را از قتل مهرجویی کردند و اعلام عمومی تأثیری بر عملکرد مجازی آنها نداشت. از طرفی توجه کاربران ایکس بیشتر روی تنش‌ها در فلسطین بود و کمتر به این موضوع پرداخته شد. توانایی این موضوعات باعث شد که در هر رخداد، درصد بیشتری از توییته‌های مرتبط با افغانستانی‌ها و افغانستان به سمت مطالبه اخراج افغانستانی‌ها برود. در زمان درگیری مرزی بین ایران و افغانستان در خردادماه، ۱۵درصد مطالب ابراز خشم از افغانستانی‌ها بود. در نیمه اول مه‌ماه ۵۶ درصد و دو روز بعد از قتل مهرجویی ۵۸درصد محتوا، مطالبه اخراج افغانستانی‌ها و ابراز نفرت از حضور آنها در کشور شد.



آیا میزبانی از مهاجران افغان، ویژگی‌های یک مساله اجتماعی را دارد؟

حمیدرضا کشاورز، جامعه‌شناس و مدیرعامل لایف‌وب، تأکید می‌کند از بین تعاریف رایج و موجود، تعریفی که ویژگی‌های اساسی مساله اجتماعی را در جهان آموزش‌روشن می‌کند، تعریف «هورتون ولزلی» است که سه ویژگی «عام بودن»، «ضرورت رفع مساله» و «نیز اهمیت فرد یا سازمان در حل مشکل» از نکات اصلی آن هستند. هورتون ولزلی مساله اجتماعی را امری می‌داند که اولاً بخش قابل توجهی از جامعه آن را ناخوشایند بدانند؛ ثانیاً معتقد باشند برای حل آن باید کاری کرد و ثالثاً براین باور باشند که فرد یا سازمان یا افرادی مسئول برطرف کردن و حل مشکل اجتماعی هستند. «کشاورز با اشاره به این دیدگاه نظری و در همین ارتباط تحلیل مضامین محتوای منتشرشده در شبکه ایکس را تحلیل می‌کند: «این مساله حاکی از آن است که پرچم‌ترین محور، «مسئول یا مقصر دانستن دولت و حاکمیت در افزایش ورود و واژه راه‌حل‌های مختلف پیرامون مدیریت این شرایط» است. هم‌زیستی مهاجرین افغانستانی در کنار جامعه ایرانی موضوعی است که سابقه بسیار طولانی داشته تا آنجا که برخی از تعابیری همچون ایرانی افغانستانی استفاده کرده و آنها را به عنوان یک قوم بزرگ در متن و بطن جامعه ایرانی پذیرفته‌اند. اما تغییرات چشمگیر و فراینده در الگو و میانگین ورود آنها به ایران و سهم قابل‌تامل آنها در ظرف جمعیتی کشور نکته‌ای است که علاوه بر شاخص‌های مذکور موجب‌ظاهر شدن آن در قامت یک مساله اجتماعی را فراهم می‌کند. شایان ذکر است که تنوع مضامین محتوایی در بیان مطالبات و نارضایتی‌های حول میزبانی از افغانستانی‌ها از جمله نامنی، تعدید فرصت‌های شغلی، چالش‌های فرهنگی، کمبود منابع معیشتی و رفاهی، از جمله شواهدی است که زمینه‌های اجتماعی و عمومی مطالبه مدیریت حضور افغانستانی‌ها در ایران توسط حاکمیت را یادآور می‌شود.»

در توییتر نسبت به مهاجران افغانستانی چه خیراست؟

بعضی از هشتگ‌ها و موج‌های توییتری سازمان یافتگی بالایی دارند. به این معنا که گروه‌هایی خاص به‌صورت هماهنگ‌شد سعی دارند که موضوعی را به‌صورت غیرحقیقی مهم جلوه بدهند و ترند کنند. شاخصی برای بررسی این مورد در توییتر وجود دارد که از تقسیم تعداد محتوا بر تعداد کاربر به دست می‌آید. نرخ‌ی که نشان می‌دهد به‌طور متوسط هر کاربر چند توییته با هشتگ یا کالیدواژه اصلی نوشته به ری توییته کرده است. مثلاً نرخ سازمان یافتگی برای هشتگ #جاوید_شاه که توسط سلطنت‌طلبان زده می‌شود ۱۶۲۸ است. یعنی به‌طور متوسط هر کاربر سلطنت طلب بیش از ۱۶ بار این هشتگ را استفاده کرده است. برای هشتگ #اخراج_افغانی-مطالب_ملی این نرخ ۸۱۱ و برای کل موضوع مطالبه اخراج افغانستانی‌ها ۴۸۵ است. اختلاف بین این اعداد با هشتگ #جاوید_شاه نشان می‌دهد که احتمال سازمان‌دهی این موج کمتر از موضوعات مربوط به سلطنت‌طلبان است. در هر موجی البته گروه یا افرادی هستند که موج را رهبری می‌کنند که این اتفاق الزاماً سازمان‌یافته نیست اما با مدیریت گروه یا افرادی که دغدغه مشترکی دارند پیش می‌رود. برای فهم این مساله لازم است گراف بازشر را توضیح بدهیم. گراف بازشر براساس ری توییته کاربران از یکدیگر است. هر کاربر نقطه‌ای در گراف و هر ری توییته یک خط بین دو کاربر است. در موج مطالبه اخراج افغانستانی‌ها افرادی از گروه‌های متناقضی مانند سلطنت‌طلبان، ملی‌گرایان افراطی و برخی کاربران مذهبی توییته زده‌اند. این کاربران با قرار گرفتن در کنار یکدیگر رنگ بنفش را تشکیل داده‌اند.

فرهیختگان

روز

چهارشنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۲

شماره ۳۹۹۰

WWW.FDN.IR

FARHIKHTEGANDAILY

بی‌بی‌سی دایه مهربان‌تر از مادر دختران افغانستانی



عطیه همتی دبیرگروه نقد روز

درست در روزهایی که بحث ساماندهی مهاجران افغانستانی در کشور داغ است و چالش ثبت‌نام مدرسه کودکان افغانستانی را پشت سر گذاشته‌ایم و عده زیادی تلاش می‌کنند موج افغانستانی ستیزی را در کشور تقویت کنند. سازمان ملل متحد درس بی‌بی‌سی فارسی را تنها راه نجات برای آموزش دختران افغانستانی معرفی می‌کند تا بی‌بی‌سی را تبدیل به دایه مهربان‌تر از مادر دختران افغانستانی کند. در سال‌های اخیر به دلیل استقرار دولت طالبان در افغانستان شرایط تحصیلی برای دختران افغانستانی سخت‌تر از قبل شد؛ دخترانی که سال‌های قبل با فاجعه‌های بمب‌گذاری مدارس روبه‌رو بودند و در دانشگاه و مدارس خود قتل‌عام می‌شدند، حالا کلاس‌های درس